



واژه‌ها و اصطلاحات

اعضای بدن، مو، ابرو، چشم، دهان، زبان، گوش، مژه، گونه، بینی، لب، چانه، پیشانی، سیبیل، ریش، فر / فرفری، سر، گردن، گلو، دست، دل، کمر، مچ دست، انگشت، دندان، سرفه کردن، عطسه کردن، گلودرد، دندان درد، مچ پا، کپسول، شربت، سر وقت، آمپول زدن، تب داشتن، کیسه آب گرم، قرقره کردن، نفس عمیق بکشید. درد می‌کند.

اهداف درس

انتظار می‌رود دانشجو پس از خواندن این درس:

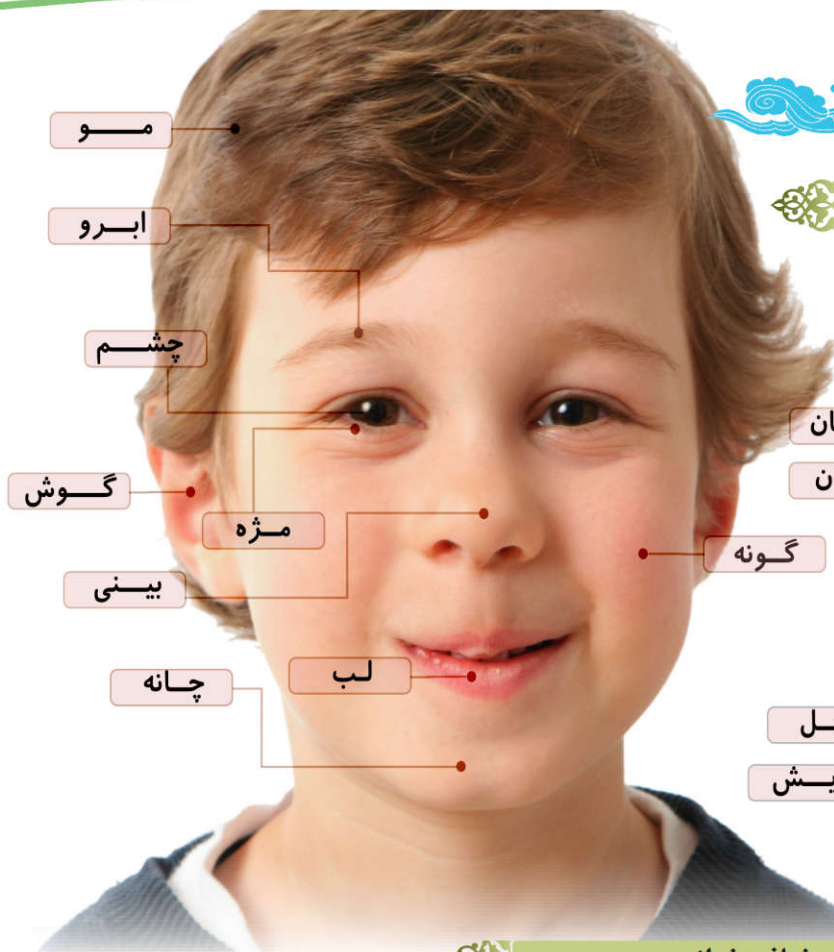
۱. با واژه‌های مربوط به «اعضای صورت» آشنا شود.
۲. بتواند در قالب سخنرانی دوستان یا خانواده خود را (به لحاظ شکل ظاهری) توصیف نماید.
۳. با کاربرد دیگر «مضارع التزامی» آشنا شود.
۴. با توجه به متن خواندن بتواند درباره روش درمان خانگی یک بیماری انشا بنویسد.



واژه‌ها



واژه‌های زیر را بشنوید و تکرار کنید.



مو

ابرو

چشم

گوش

مژه

بینی

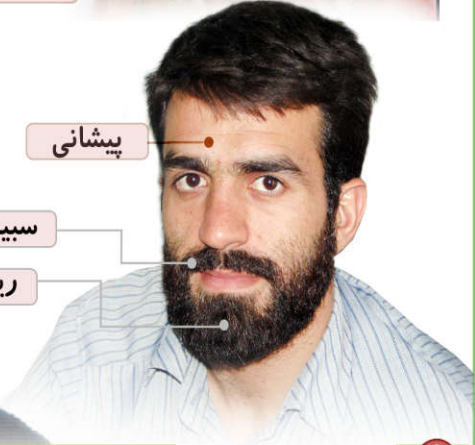
چانه

لب



دهان

زبان



گونه

پیشانی

سیل

ریش

جمله‌های زیر را مانند مثال به صورت‌های مختلف بخوانید.



مثال: چشم‌های دوست من، مشکی / قهوه‌ای / آبی / سبز است.
 موهای دوست من، بلند / کوتاه / صاف / فر (فر فری) است.

دوست / پدر / مادر / خواهر
 برادر / عمو / دایی / عمه / خاله
 پدربزرگ / مادربزرگ / نوه



با هم کلاسی خود با استفاده از جمله‌های زیر گفتگو کنید.

دوست من موهای فر دارد.
 سعید ریش ندارد؛ اما حمید ریش بلند دارد
 چشم استاد من آبی است.

موهای مصطفی مشکی / سفید / قهوه‌ای / طلایی است.
 پدر من سیل (بلند / کوتاه) دارد.
 برادر من ریش (بلند / کوتاه) دارد.

شنیدن

الف) گفتگوها را بشنوید.

سبیل		ریش		رنگ چشم			رنگ مو			مو			چاقی / لاغری			قد							
دارد	ندارد	بلند	کوتاه	آبی	سبز	قهوه‌ای	مشکی	مشکی	سفید	قهوه‌ای	طلایی	بلند	کوتاه	فرقری	صاف	چاق	لاغر	متوسط	بلند	کوتاه	متوسط		
																						۱	
																							۲
																							۳
																							۴

ب) گفتگوها را یک بار دیگر بشنوید و جدول زیر را کامل کنید.

خواندن

الف) متن زیر را بخوانید.

و قهوه‌ای است.
چشم‌های من و برادر بزرگم سبز است؛
اما چشم‌های خواهر و برادر کوچکم آبی
است.



اسم من مجید است.
من نه ساله هستم و خانواده من در شهر
تبریز زندگی می‌کنند.
من دو برادر به نام‌های حمید و سعید و
یک خواهر به نام حمیده دارم.
برادر کوچکم، حمید، هفت سال و برادر
بزرگم سعید ۱۲ سال دارد؛ اما خواهرم
حمیده ۵ ساله است.
حمید و سعید، خیلی چاق و قدکوتاه هستند
و حمیده لاغر و قدبلند است؛ اما من چاق
و قدبلند هستم.
موهای من و برادرم خیلی طلایی و کوتاه
است؛ اما موهای خواهرم خیلی خیلی بلند

ب) هریک از افراد زیر، با توجه به متن، هر یک از افراد زیر را از نظر شکل توصیف کنید.

۱. حمید
۲. مجید
۳. سعید
۴. حمیده



جمله‌های زیر را بشنوید و تکرار کنید. !

۱. دندانم درد می‌کند. = دندان درد دارم.
۲. گلویم درد می‌کند. = گلو درد دارم.
۳. سرما خورده‌ام.
۴. تب دارم.
۵. عطسه می‌کنم.
۶. سرفه می‌کنم.
۷. مریضم.
۸. حال خوب نیست.



الف) گفتگوی زیر را بشنوید. !

- سلام آقای دکتر.
- سلام، پدرجان! چه شده؟
- بدنم درد می‌کند، آقای دکتر. تب هم دارم.
- از کی بدنتان درد می‌کند؟
- از صبح تا حالا.
- لطفاً دهانتان را باز کنید. خوب است. حالا چندتا نفس عمیق بکشید.
- چی شده آقای دکتر؟
- چیز مهمی نیست. سرما خوردید.



ب) دوباره گفتگو را بشنوید و تمرین کنید. !

- | | | | |
|-------------------|------------------|--------------------|------------------|
| دلم درد می‌کند. | پایم درد می‌کند. | سرما درد می‌کند. | چی شده؟ |
| گلویم درد می‌کند. | گوشم درد می‌کند. | دندانم درد می‌کند. | کمرم درد می‌کند. |



جمله‌های زیر را بشنوید و تکرار کنید. !



- باید بروی دکتر.
- باید خوب استراحت بکنی.
- نباید سر کار بروی.
- باید غذای گرم بخوری.
- نباید غذاهای سرد بخوری.
- باید قرص‌ها و کپسول‌هایت را سر وقت بخوری.
- باید آمپول بزنی.
- باید لباس‌های گرم بپوشی.
- نباید شربت‌هایت را در جای گرم بگذاری.
- نباید بدون دستور دکتر، دارو بخوری.



الف گفتگوی زیر را بشنوید. !

- چی شده؟ چرا سرفه می‌کنی؟
- **گلو درد دارم.**
- حتماً سرما خوردی. نباید امروز سرکار بروی.
- **باشد سرکار نمی‌روم.**
- باید دکتر بروی.
- **آره. امروز بعد از ظهر دکتر می‌روم.**

ب دوباره گفتگو را بشنوید و تمرین کنید. !

باید غذای سرخ کرده بخوری.
باید لیمو شیرین بخوری.

باید خوب استراحت کنی.

باید بری دکتر.
باید قرص‌هایت را سر وقت بخوری

ساخت جمله باید + مضارع التزامی



برای لزوم انجام کار در زمان حال و آینده، بعد از «باید» از فعل مضارع التزامی استفاده می‌شود.



فعل مضارع التزامی = ب + بن مضارع + شناسه

جمله‌های زیر را بشنوید و تکرار کنید.

۱. من **باید** به بازار بروم.
۲. ما **باید** به مسجد برویم.
۳. تو **باید** در دانشگاه تهران درس **بخوانی**.
۴. صادق و سجاد **باید** کفش جدید **بخرند**.
۵. احمد **باید** اخبار گوش **کند**.
۶. بچه‌ها **باید** غذایشان را **بخورند**.

فاعل	باید	ب	بن مضارع	شناسه	مثال
من	باید	ب	رو	م	من باید به کتابخانه بروم.
تو		ب	رو	ی	تو باید به مدرسه بروی.
او		ب	رو	د	او باید به کشورش برود.
ما		ب	رو	یم	ما باید به استخر برویم.
شما		ب	رو	ید	شما باید به سینما بروید.
آنها		ب	رو	ند	آنها باید به رستوران بروند.

تمرین. مانند مثال پاسخ دهید.

مثال: سرم درد می‌کند.

..... باید خوب استراحت بکنی.

۱. من سرما خوردم.

۲. حسن کمرش درد می‌کند.

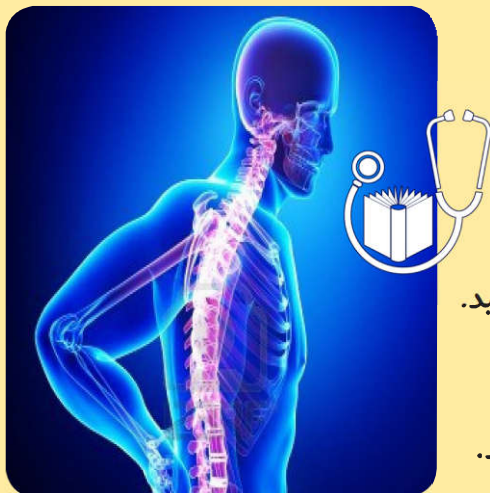
۳. ما مریض هستیم.

۴. شما تب دارید.

۵. آنها امشب مهمان دارند.

درمان کمر درد در خانه

اگر کمر درد دارید، لطفاً به نکات زیر توجه کنید.



۱. باید خوب استراحت کنید.
۲. باید در خانه آرام ورزش کنید.
۳. هر روز حدود ۱۵ دقیقه باید از کیسه آب گرم استفاده کنید.
۴. باید هر روز پیاده روی کنید.
۵. نباید چیزهای سنگین بلند کنید.
۶. باید از داروهایی مثل ایبوپروفن و استامینوفن استفاده کنید.
۷. نباید زیاد بایستید.

درمان سرماخوردگی در خانه

برای این که شما و خانواده تان سرما نخورید ...



۱. باید خوب استراحت کنید.
۲. باید خیلی مایعات استفاده کنید.
۳. هر روز باید ۴ بار، آب نمک قرقره کنید.
۴. هنگام عطسه و سرفه باید جلوی دهانت را با دستمال بگیرد.
۵. باید از لیوان مخصوص استفاده کنید.
۶. مسواکتان را باید با آب گرم بشوید.
۷. باید با آب گرم حمام بکنید.
۸. باید میوه‌هایی مثل پرتقال و نارنگی زیاد بخورید.
۹. هر روز یک یا دو ساعت باید پنجره‌ها را باز کنید.
۱۰. دست و صورت خود را باید با صابون خوب بشوید.



خودآزمایی

۱. افراد زیر مریض هستند، شما به آنها چه پیشنهادی می‌دهید.

مثال: خواهرم گلویش درد می‌کند. **پیشنهاد:** خواهرت باید به مطب دکتر برود. / او باید استراحت کند.

۱. برادرم بزرگم دندانش درد می‌کند.
۲. من گلویم درد می‌کند.
۳. خواهر کوچکم سرما خورد.
۴. پدرم تب دارد.
۵. برادر کوچکم سرش درد می‌کند.
۶. مادرم سرفه می‌کند.
۷. دوستم کمر درد دارد.
۸. خواهر بزرگم حالش خوب نیست.

۲. با واژه‌های جدید درس جمله بسازید.

۱. (.....)
۲. (.....)
۳. (.....)
۴. (.....)
۵. (.....)

نوشتن. مانند مثال دربارهٔ پیشنهادهای خود برای درمان یک بیماری انشا بنویسید.

اسم دوست من سامان است. سامان دیروز سرما خورد. من به او گفتم که باید چند روز استراحت کنی و غذاهای چرب نخوری. او امروز حالش خیلی بد است. من به او گفتم باید دکتر بروی تا دکتر تو را معاینه کند. ...

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....